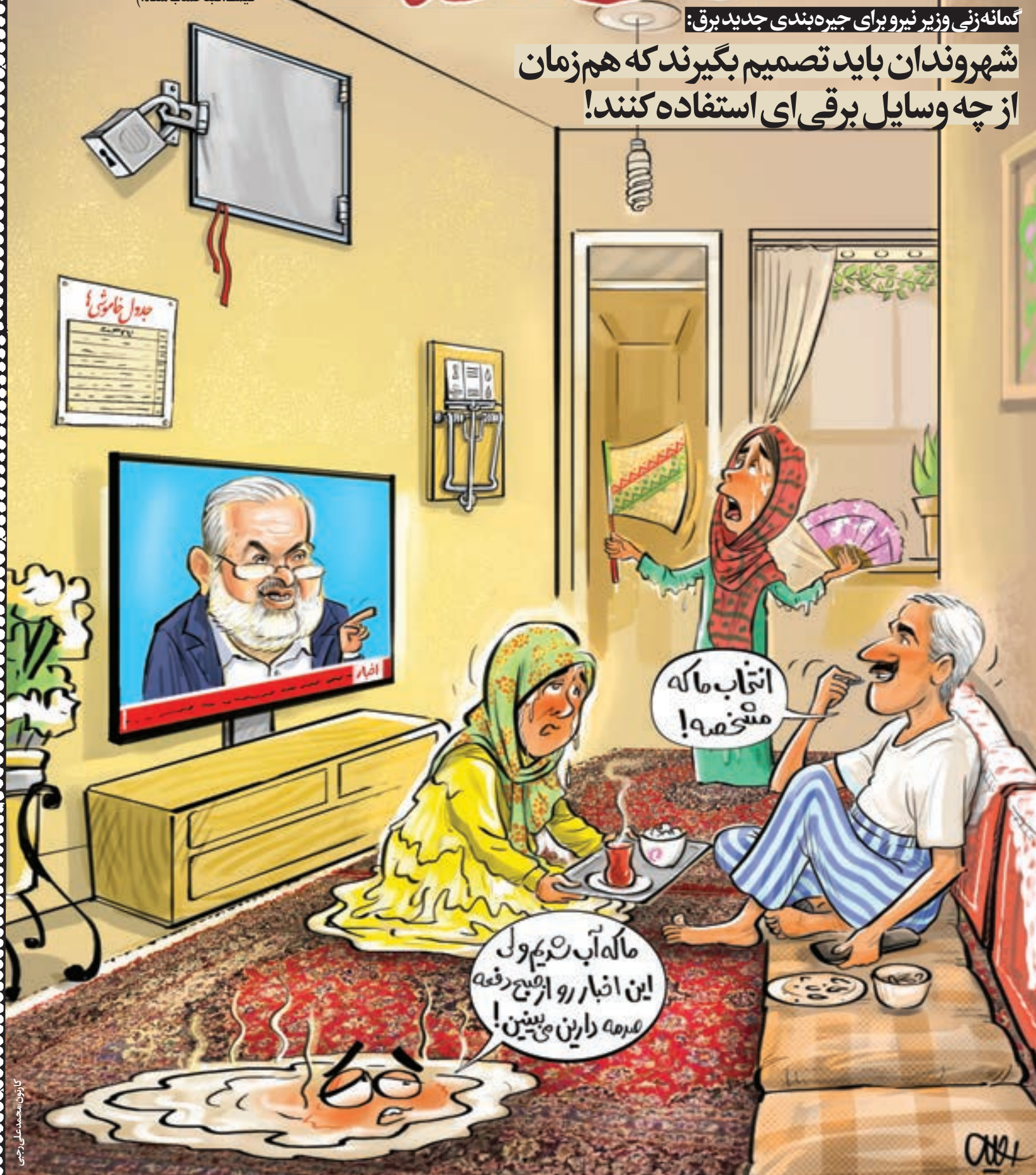


قیمت: قبلاً حساب شده:

گمانه زنی وزیر نیرو برای جیره بندی جدید برق:

شهروندان باید تصمیم بگیرند که هم زمان
از چه وسایل برقی ای استفاده کنند!



کلیک / صفحه ۸
راهکارهای
ارزان سازی
سفر هوایی

گیر کن / صفحه ۴

خاطرات یک مأمور
خرید هواپیما

میشه اینجا بره؟! / صفحه ۲

مجرمان خطرناک با
گوشی های خاموش!

ای توتا توته توخ توخ مکنه!

مُگم زن! واز فصل توت آمده، و خزاو چادرشب و او دُول و خلیته رُردار بیار که کله گنیم سمت و کیلاباد و طریقه، مو پیرم ازی درختای توت چفت میلانا دلنگون بژم و بیتگنم؛ توتی بچه هایم چار دُور چادر رُردار فرص بیگیرن که توتا توتش لوکه بیه، همونجه بیشینم یک شکم توت بزنم، باقی ش زم بیرم خنه خشک گنیم قیسی بیه.

عزیزم، من امسال لب به توت درختای کنار خیابون نمی زنم. بچه هامم نمی دارم از این توتا بخورن. تو خودت برو هرچی دلت می خواد، توت بخور که زودتر بمیری از دستت راحت بشم!

آنا! پرچی زن؟! تو که هم هرسال ایقدر فراخ بودی که نمگذاشتی یک توت به رو درختا بمانه، حالا چی کار رفته که مگی نمخوای؟ تو میدنی همی توت چقدر قیمتشه؟ حالا برکه مفتته رو درختای مگی نمخوام؟

نه خیرم! واسه اینکه امسال گفتن اصلا نباید توتای کنار خیابون رو بخوریم. چون خیلی آلودگی دارن و مصرفشون برای سلامتی مضره.

یره ای که چیزی نیستیک؛ ناشورن که ناشورن! خب ورمیدرم میرم مشورمشا تیمیز مرن، بعد مخورم!

نه خیر! کارشناسان اکید کردن توی کلان شهرایی مثل تهران و مشهد، این توتا در معرض آلودگی شدید محیطی هستن و غیر از گرد و خاک و ذرات معلق هوا، گازهای آلاینده مثل دی اکسید گوگرد و ترکیبات نیتروژن و سرب هم روی شاخ و برگ و میوه توتا رسوب می کنه که باعث مسمومیت های گوارشی و اسهال و استفراغ و آلرژی و انگل می شه و در بلندمدت هم ممکنه باعث سرطان بشه و این آلودگیا حتی با شستن میوه ها هم از بین نمی ره.

چکاره؟! یره مو نمخوام بری چاردنه توت خُردو بیمیرم! بی اشکل نمیدنستم ایجوریه، پس ازی په بعد هرکبه دلنگون درختا بیبینم، بژش مُگم نخور یره! ای توتا توته توخ توخ مکنه!



صفحه ۲
۱۰ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۱۶۱

مشه ایجوریه؟! خسرو آبادیان

مجرمان خطرناک باگوشی های خاموش!



خرداد ۱۴۰۴: بنابر اعلام رئیس مرکز ارزشیابی آموزش و پرورش، دانش آموزانی که زمان آزمون نهایی موبایل ببرند، حتی اگر موبایلشان خاموش باشد، از همه امتحانات محروم می شوند. (همشهری آنلاین)

خرداد ۱۴۰۵: دانش آموزانی که سر جلسه امتحان گوشی همراه داشته باشند، علاوه بر محرومیت امتحانی، چند قطره چسب قطره ای هم داخل سوکت شارژ گوشی آن ها ریخته خواهد شد.

خرداد ۱۴۰۶: با هماهنگی سازمان نظام وظیفه عمومی، از این پس دانش آموزان متخلف جلسه امتحان هرگاه سربازی برونند، دو ماه اضافه خدمت خواهند خورد و دست شویی های پادگان را هم باید تمیز کنند.

خرداد ۱۴۰۷: دانش آموزان حتی اگر باگوشی خاموش در جلسه حاضر شوند، گوشی شان روشن می شود و توسط مراقب امتحان روی پیامک های حاوی لینک ناشناس کلیک خواهد شد.

خرداد ۱۴۰۸: پس از اینکه گوشی دانش آموز متخلف گرفته شد، با پدرش تماس گرفته می شود تا در محل حاضر شود و سپس جلو پدرش گالری فیلم و عکس های گوشی باز خواهد شد.

خرداد ۱۴۰۹: دانش آموزان متخلف سر جلسه امتحان نهایی هر زمان کنکور داشته باشند، مراقب کنکور روی آن قسمت پاسخنامه وی که نوشته است اینجا چیزی ننویسید، چیزی خواهد نوشت.

خرداد ۱۴۱۰: دانش آموزانی که در جلسه امتحان نهایی گوشی دستشان باشد، در جلسه کنکور به آن ها کیک و آب میوه نخواهند داد.

خرداد ۱۴۲۰: وزیر آموزش و پرورش گفت: از ۱۰ سال پیش که مقرر شد به متخلفان امتحان نهایی، روز کنکور کیک و آب میوه ندهیم، خوشبختانه دیگر کسی با خودش گوشی نمی آورد!

کنخ تو کنخ منصوره احمدی

بدرقه رئیس جمهور برای سفر به عمان (۲)



۲ هیس! آروم تر می شنوه، چی چی رو تامام؟ تلویزیون خاموش باشه چطوری می خوای پی اس بزنی ای کبو؟! کولر رو هم خاموش کنیم، از گرما ذوب می شیم...

۱ رئیس گفت تا برمی گرده فقط دوتا وسیله برقی می تونیم هم زمان روشن کنیم؛ من می گم فکر کردن نداره، پلی استیشن و کولر، تامام!

۳ جهت اطلاع رئیس کنترل کولرگازی و کابل پی اس و شارژرها رو با خودشون بپردن. ها راستی، سپردن به شما نگم!

بدرقه رئیس جمهور برای سفر به عمان (۱)



بعله، خاطرتون جمع قربان، فقط ضروریا.

دست به چیزی خطرناک نمی زنیم، برقم که می دونیم، اجازه دارین فقط دوتا وسیله برقی هم زمان روشن کنیم، وسایل خیلی ضروری، خیال ما راحت؟

وزیر آموزش و پرورش در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران



نه خیر کی گفته؟ من دانش آموز دارم که هم فوتبال بازی می کنه و میلیارد میلیاردی داره جیبش، هم با ده بیست سی چهل دکترای فیزیولوژی قبول می شه، پس فردا هم می شه آقای دکتر!

اینکه اخراج دانش آموزان ضعیف رو ممنوع کردین، باعث می شه این دانش آموزان در مقاطع تحصیلی، بالا و بالاتر بیان و تلاشی برای پیشرفت تحصیلی نکنن جناب وزیر.

استقبال رسمی از نخست وزیر پاکستان در تهران



نه نه نه نه، اصلا و ابدا، هر زمان لازم شد، خودم می آم، شما اصلا اون سمتا پیدات نشه فدات شم.

چرا شما زحمت کشیدین قریونتون برم، یه تک می زدن خودم خدمت می رسیدم.

۶ درم معادل ۶۰ میلیارد!

دلی که غیب نمای است و جام جم دارد
ز خاتمی که دمی گم شود، چه غم دارد؟
به خط و خال گدایان مده خزینه دل
به دست شاهوشی ده که محترم دارد
رسید موسم آن کز طرب چو نرگس مست
نهد به پای قدح هر که شش درم دارد

جناب حافظ در اشارتی دفاع جانانه‌ای از بیرانوند کرده و می‌فرماید: آدمی که جام جهانی شرکت کرده و تازه از غیب هم می‌دونه که موقع پینالٹی رونالدو کدوم طرف بیره تاتوپ رو بگیره، چه نگرانی‌ای از خاتم یا همون مدرک دانشگاه داره که هر زمان ممکنه گم بشه؟! درحالی که اون مقطع تحصیلی که داره می‌خونه، توی دانشگاه محل تحصیلش هم وجود نداشته باشه که دیگه اصلا نگرانی گم شدن مدرک نداره دیگه!

در بیت دوم می‌فرماید اصلا خوب کاری کردی که قراردادت رو با پرسپولیس به طرفه فسخ کردی! باید بری با جایی قرارداد ببندی که قدرت رو بدونن و محترم بدارن. نهایتش دوتا فحش از هوادار می‌خوری که با مظلوم نمایی و به کم بغض جمع می‌شه و به حکم کمیته انضباطیه که ابلاغ نشده و نمی‌شه!

در بیت آخر هم خواجه حرف آخر رو می‌زنه: آقا الان زمانه پوله، هرکی شش درم (به پول الان می‌شه معادل همون ۶۰ میلیاردی که بیرانوند از تراکتور گرفته) توی جیبش باشه، تلویزیون هم می‌آرنش و باهاش مصاحبه هم می‌کنن و حق رو هم بهش می‌دن، حتی اگه ندونه اقوام پدری چیه!



در حاشیه اظهارات بیرانوند درباره تحصیلات تکمیلی اش در تلویزیون



صفحه ۲
۱۰ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۱۴۱

تکاوران، از مدرسه تا دانشگاه

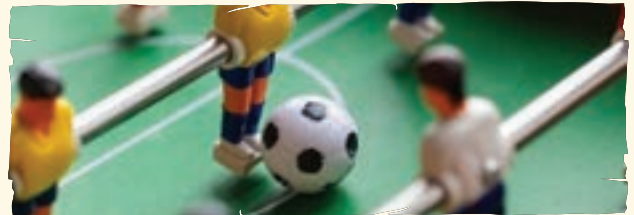
فوتبال دستی راضی شده است.

تکاورترین تک‌آوران کشور: اعلام شد میانگین نمرات نهایی دانش‌آموزان در سال گذشته ۹۶/۹۶ بود؛ یعنی یک عدد تک رقمی. این یعنی بیخود نیست که همین دانش‌آموزان وقتی دانشجو می‌شوند، همان جلسه اول دانشگاه از استاد می‌پرسند: ۹ رو ۱۰ می‌دین؟!

تمشکی ترین پلخمون هفته: می‌رسد به یک نماینده مجلس که گفت: بانک‌ها حق ندارند برای وام ازدواج بیشتر از یک ضامن بخواهند. اصلا وقتی کارمندان بانک به عروسی آن زوج دعوت نبوده‌اند و حتی یک دانمارکی نخورده‌اند، روی چه حساب وام تک‌ضامن بدهند؟!

آب‌دارترین صادرات هفته: عضو اتحادیه بافروشان گفت: هندوانه را با کمترین قیمت صادر می‌کنند. اگر خود آب را صادر کنید، از این به صرفه‌تر است. با این حساب، این هندوانه‌هایی که زیر بغل بقیه کشورها می‌دهیم، پوست خریزه‌ای است زیر پای منابع آب کشور خودمان!

بی‌کله‌ترین فوتبالیست‌های هفته: طالبان اعلام کرد اگر می‌خواهید فوتبال دستی بازی کنید، باید سر آدمک‌های فوتبالیست را بکنید. چون اگر سر داشته باشند، شبیه بت هستند. شاید بگویید طالبان چه همه پسرقت داشت، ولی باور کنید این پیشرفت است. طالبان قبلا سر آدم‌های واقعی را می‌کند، الان به کنده شدن سر آدمک‌های



سپلی‌خورن، رئیس‌جمهور فرانسه از همسرش

از آن روزی که دیدی بی‌سبیلیم
خودت فهمیده بودی زن ذلیلیم
نه تنها در سیاست، توی خانه
نشان دادم که همچون دسته بیلیم!

معاون دانش‌جوی: ریزش سقف خوابگاه دانشگاه تهران موضوع جدی نیست!

از ما چرا دائم به حال انتقادند؟
با ما گمانم این جماعت در عنادند
سقف اتاقی ریخته؟ این که طبیعی ست
اصلا به ما چه؟! مارمولک‌ها زیادند!

آتری بهرمی: در مقایسه با کشورهای همسایه، رتبه خوبی در هوش مصنوعی نداریم

هرچند در هر موردی در حال شوریم
انگار دور یک ستون در حال دوریم
در هوش مصنوعی که معلوم است، اما
در هوش‌های غیر مصنوعی چطوریم؟!

رئیس‌جمهور: چشم‌انداز دولت حذف گاز از منبع گرمایش و سرمایش خانه‌هاست

آفرین بر دولت آتیه‌ساز
دولت مجموعه‌های ناتراز
بعد حذف برق و آب و مرغ و گوشت
رفته است اکنون سراغ حذف گاز

خاطرات یک مأمور خبر هواپیما



کارتون: محمدعلی رحیمی

بوده است که خورده شده اند. سال ها خاموش بوده اند. سالم و کار نکرده. فقط به خاطر باران های موسمی کمی زنگ زده اند و داخلش علف هرز و جک و جانور رشد کرده است. چندتا مترجم عوض کردم تا بالاخره هوش مصنوعی حرف های فروشنده را ترجمه کرد که به جای پول، غذا می خواهند. معامله شیرینی بود. در ازای سه تا هواپیما، سه کامیون گندم و جو خواستند با چند کارتن فندک و دمپایی. رئیس قبیله گفت یک پورسانتی هم به خودم بدهید، ولی من اصلا اهل این حرف ها نیستم. در نهایت از بس اصرار کردند، قرار شد یک جزیره همان طرف ها به نامم کنند. گفتم راضی به زحمتشان نیستم، اگر جزیره متروکه باشد هم قبول است. واقعا حیف که کسی قدر ما را نمی داند؛ مایی که در پشت پرده کارهای مهم مملکت را انجام می دهیم و هیچ جا اسممان مطرح نمی شود و از زحمتانم قدردانی نمی شود.

چهارشنبه

کیس اکازیون

رئیس خبر داد که یک جلسه اضطراری دارد و دعاکنم به خیر بگذرد. بعد از جلسه دوباره زنگ زد و خوش خبری داد که با خرید هواپیماهای جدید موافقت شده است. حیف شد آن کیس شکار از چنگم در رفت. دوباره داشتم در اینترنت چرخ می زدم تا موارد بهتری پیدا کنم. چشمم افتاد به یک مورد اکازیون، ببینم چه می شود.

پنجشنبه

هواپیما در برابر غذا

آن مورد دیروزی اوکی شد. سه تا هواپیما توی جنگل های آمازون پیدا کرده ام. مال چند توریست

شنبه

مای خجالتی

از دست این رسانه ها! آدم نمی تواند دوتا هواپیما با دل خوش خرید و فروش کند. همه جا را پر کرده اند که ما هواپیماهایی خریده ایم که چند برابر قیمت اصلی شان بوده اند. هر چه هم می گوییم نه، باور نمی کنند. ما هم مأخوذ به حیا و خجالتی، نمی توانیم بیشتر از این اصرار کنیم.

یکشنبه

مگر می شود؟

اصلا ما بد، ما گران خر، ما مختلس که هواپیماها را چند برابر قیمت بخریم. مگر چینی ها این قدر باهوش هستند که بتوانند به این قیمت به ما هواپیما قالب کنند؟ حالا ما در اداره خرید و فروش هواپیما خیلی سفت نمی گیریم، ولی آن ها که اهل شل گرفتن نیستند. حساب و کتاب دارند. همین را رسانه های ما نمی فهمند.

روشنه

یک رست کمر بنداشانتیون

امروز داشتم توی دیوار چرخ می زدم، یک کیس عالی گیر آوردم. دوتا هواپیماهای کم کار، در حد نو، بدون رنگ، سه سال تخفیف بیمه، لاستیک ها فابریک، فقط کمک فنرهایش می زند که باید عوض شود و یک سر قلم باید لکه گیری شود. زیر قیمت بازار، با طرف چک و چانه هایش را هم زده بودم و راضی شده بود به جای تخفیف یک دست کمر بند ایمنی اضافه بدهد، ولی رئیس گفت فعلا صلاح نیست هواپیما بخریم. حیف شد.

سه شنبه

اقتناع افکار عمومی

منشی خبر داد که بالاخره رسانه ها قبول کرده اند ما هواپیماها را اگران نخریده ایم. البته تلاش های مهندس هم بی تأثیر نبود. انصافا خیلی زحمت کشید تا رسانه ها و افکار عمومی را قانع کند. برای شیرینی این خبر خوش، شب دست بچه ها را گرفتم و رفتیم باغ حاجی. خیلی خوش گذشت.

صفحه ۴
۱۰ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۱۴۱



به صدای میزبان
گوش کنید!

اگر میزبان گفت «بفرمایید همین جا»، همان جا بنشینید و نپرسید وسط سفره که «آخه اینجا به زیتون نمی رسم!» مهمانی اتوبوس واحد نیست که بخواید جلو بنشینید، چون زودتر پیاده می شوید!



صندلی
طلائی

اگر وارد مهمانی شده اید و هنوز سفره کامل پهن نشده است، لطفا دنبال بهترین جای دنیا نگردید. آن وسط که به دیس جوچه و پارچ دوغ هم زمان دسترسی دارد، طبیعتا مورد توجه همه است!

آداب مهمانی ای میزبان آرام بران!



فرزانه شهروندی
فرزانه زینلی

طرح فروش اجباری توپ دولایه باروغن



در خبرها داشتیم چند ماهی است بازار روغن خوراکی با چالش روبه رو شده است و شاهد قاچاق و احتکار و فروش اجباری روغن بارب و تون ماهی و کلوچه هستیم. برای همین خبرنگارمان را با چهره مبدل به بازار فرستادیم تا ته و توی قضیه را درآورد.

فروشگاه اول

- خبرنگار: آقا روغن دارین؟
- فروشنده: نه.
- پس اینجا چیه؟
- اینجا دکوره، فروشی نیست.
- خیلی احتیاج دارم، چند روزه بدون روغن موندم.
- به هر قیمتی بگین، می خرم.
- فکرکردی ماکی هستیم که روغن رو گرون بفروشیم؟ حالا که دیدم خریدار واقعی هستی، به دونه ته انبار مونده، می دم بهت که کارت راه بیفته.
- دست شما درد نکنه، امر بفرمایین چقدر کارت بکشم؟
- بذار حساب کنم... یه روغن داشتی، یه شل رب، یه کارتن کیک، دو تا کنسرو لوبیا چشم بلبلی، سه تا ماکارونی حلقه ای، دو جعبه پودر دستی، یه شیشه آب نارنج، دو تا هم توپ دولایه برداشتی، یه باکس هم سیگار... می کنه به عبارتی...

فروشگاه دوم

- آقا روغن چند؟
- ندارم.
- ولی گفتن توی بازار فقط شما دارین.
- هرکی گفته، غلط... کی گفته؟
- حمید آنلاین.
- جدی می گی؟ حمید رو می شناسی؟ دیگه چون رفیق رفیقی، هر جور شده یه دونه روغن برات جور می کنم.
- دست شما درد نکنه، چقدر تقدیم کنم؟
- صبر کن ببینم قیمتش چند شده... اینجا ندارم، یه ساعت دیگه بیا سرکوبه بعدی، یه عینک دودی هم بزن، یه کیسه هم بگیر دستت، دو بار سوت می زنم، چیزی نمی گی، دفعه سوم که سوت زدم، می ای بیخ دیوار کیسه رو می داری لای درز دیوار تا توش روغن بذارم، ۱۰ اقدام می ری عقب، پشتت رو می کنی و تا سوت نزد، بر نمی گردی، بعد هم کیسه رو برمی داری و بدون اینکه به پشت سرت نگاه کنی، با آخرین سرعت می دوی...

فروشگاه سوم

- آقا روغن ها چنده؟
- قابل شما رو نداره، اینا روغن نیست، طرح روغنه.
- یعنی چی؟
- یعنی آبی که یه کمی توش زرد چوبه ریختیم و اسانس روغن زدیم بهش، چرب نیست، باید بهش وازلین بزنی تا چرب بشه، روغن گیر نمی آد، مشابیهش رو درست کردیم با نصف قیمت، ولی واقعا حرف نداره، بریز توی غذا، حالش رو ببر، یه مدل دیگه هم داریم، دست دومه، مال یه ساندویچی بوده که دو هفته توش سیب زمینی

و هات داگ سرخ کرده، یه کمی سیاه شده، ولی عوضش بوی سوسیس می ده، یه مدل دیگه هم داریم، ارزون تره، قاطی داره با روغن موتور ماشین، ترجیحا این رو نخوری یا بذاری خوب داغ بشه، بعد ازش استفاده کنی، بهتره، ولی از همه ارزون تره، ربع روغن و نیم روغن و روغن گرمی هم داریم که به هر کد ملی یه دونه تعلق می گیره، ولی باید اول توی سامانه روغن یار ثبت نام کنی و دهک یک تا سه باشی، روغن قسطی هم داریم که فعلا صف خریدش پره، اگه بخوای اسمت رو توی لیست پیش فروش می نویسم، هروقت نوبت شد، برات پیامک می آد.



مهمانی
مسابقه نیست،
خاطره است!

اگر آخر مهمانی چک لیست سفره را بررسی می کنید تا ببینید چه چیزهایی از قلم افتاده است، باید یادآوری کنیم که مهمانی بوفه هتل نیست! اصل خاطره است که می ماند، نه دل درد پس از مهمانی!



نعمات برای همه
است، حتی شما
دوست عزیز!

اینکه دیس سالاد جلوشماست، معنی اش این نیست که برای شماست. اجازه بدهید بقیه هم از نعمت های روی کره زمین استفاده کنند!



مهمان
صاحب خانه
باشید!

صبر کنید اول میزبان غذا بکشد یا بگوید: «بفرمایین، تعارف نکنین!» اگر دیدید هنوز چند نفر نیامده اند، کفگیر دوم زرشک پلورا نگه دارید. شاید همان مهمان دیرکرده عاشق ته دیگی باشد که شما قورتش می دهید!

دربیرانوند:

قرارداد را با پرسپولیس فسخ کردم، چون رقص

سطح علمی همه شان جز رشد تیم خیلی پایین بود

تدریسی اتحادیه

تشریفات مراسم ترسیم از

تشریفات پویش

«نه به تصادف»

وزارت بهداشت:

۸ درصد افزایش در آمد

تشریفات رانندگی

وزیر جهاد کشاورزی:

پیش بینی می شود

تا پایان دولت

به بازگشت دوباره

در تولید گوشت به

اصل قوه سبزی

چون کفایتی برسیم

رئیس اتحادیه نانوایان سنگک:

تولید نان سنگک دولتی کمتر بخردی نه بیشتر

از ۱۰ هزار تومان صرفه اقتصادی ندارد

تا بخرد رویش باشد

اتحادیه زورگیران

اتحادیه زورگیران

هاتوی

ایران با کمک زنجانی فعلا مجوز ندارد

از همان قه استفاده کنید

شرکت رنوز بر مجموعه ما

فراموشی: کانادا ایالات آمریکا شود

تا کمکد طلا بخری را مجانی بگیرد

زه بغل در

رئیس سازمان انرژی اتمی:

اگر توافق شود،

احتمال دارد به

بازرسان آمریکایی

هم از طریق آژانس

اجازه بازرسی از

تأسیسات هسته ای

را بدهیم

به شرطی که رای

آژانس را عثماني ها

برهند

پیرا

آرش آریایی

در حاشیه قیمت های عجیب در نقل و انتقالات ایران

آنچه میان باشگاه های ایرانی می گذرد.

دهنتون سرویس. بذارین من هم یکی بخرم دیگه. این شبیه مسی هم هست. خوبه. یک میلیون دلار می خرمت.

۶



بازیکنی که واقعا هست

۴

من بهترین بازیکن فصل قبل لیگ کامبوج شدم.



۱

دیروز با ۳ میلیون باهاش بستم.

۲ میلیون. خیرش رو ببینم.

منم از بچگی مسی رو دوست داشتم! ۱.۵ میلیون.

۷



بازیکنی که ایرانی ها پولش رو می دن

۵

داداش. من کوچیکتم. اصلا ۷۰ درصد رو تو بردار.

۳

بیا با قیمت بهترین بازیکن لالیگا می برمت ایران. فقط نصف قرارداد مال من!

۲

صفحه ۶
۱۰ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۱۴۱

ناسوس

فرشته شایان

پس فکر کرد این ایده های بترگون قطعی دوساعته و چهارساعته. مدرسه رفتن ساعت ۶ صبح دانش آموزا و کارمندا. قطع برق صنایع. انتخاب بین وسایل برقی برای استفاده هم زمان. کجا به ذهن من و همکارام خطور کرده؟! آفرین! حمام نه. یکم اون ورترا!



وزیر نیرو

آن ذهنی که با سفیداب و کیسه و سنگ پا بجنبید. همان بهتر که آب هریرود بالایش بند کنی تا ۹۲ فیصد بند «دوستی» ولایتش خشکانده شود. یعنی چه که عقل آدم در گرمابه کار می گیره؟ نقدا در تشناب* فکر کنید تا این بندی که بالای دریا بسته ایم از لب بگذرد. بترکه. بعد صدارت اگر حال کرد. فکری هم برای آفتابه های خالی شما می کند. تشناب: دست شویی یا همان دست به آب خودمان!



عضو غیرارشد طالبان

چرا زیر دوش بهترین ایده ها به ذهنمان خطور می کند؟ دانشمندان درباره «اثر حمام» می گویند به جای تمرکز درباره یک مسئله. سرگردانی ذهن در کاری خوشایند مانند حمام کردن. ذهن را فعال و خلاق می کند. (عصر ایران)

یافتم. یافتم! تا این ممیزی روزنامه ما رو شطرنجی نکرده. به پیشنهاد بدم. یا مسئولای کشور رو بفرستین زیر دوش یا اصلا توی اتاق فکر. روی سر هر کدوم. یکی یه دونه دوش و لیف و صابون بذارین. همون طوری که بالنکی موز گاز می زنن و دلاک پشتشون رو می ماله و شورای عالی فلان رو ریاست می کنن. بلکه دوتا ایده هم به ذهن ناترازشون رسید. این قدر ملت رو سرویس نکردن. حال کردین؟ «اثر گرمابه» می زدم اون موقع که «اثر حموم» مد نبود!



ارشمیدس

خودمون رو نگیره!

صدای کلی ماشین سنگین می آمد! پشت سرهم... وووو... وووو... گوشم را به دیوار چسباندم تا ببینم امروز در خانه بغلی چه مهمانی و سوریساتی برقرار است. نفر اول گفت: «داداشای باصفا، این جوری که نمی شه، ما گوله می کنیم، تخت گاز از اون سومی آیم این سر، برای اینکه شندرغاز دربیاریم، اگه قرار باشه گازو-ویل هم سه نرخی بشه که نمی صرفه.» نفر بعدی گفت: «حالا خون خودت رو کثیف نکن. گازو-ویل شاید جور بشه، ولی خون یورو ۴ توی بازار آزاد هم پیدا نمی شه!» نفر بعدی گفت: «چقدر فک می زنین شما دو تا، راه روبند آوردین.» نفر بعدی گفت: «اتفاقا باید راه رو بند آورد و اعتصاب کرد تا حساب کار این نالوطیاد سستشون بیاد.» نفر بعدی گفت: «دقیقا، فقط یه جرقه می خواد تا آتیش به پا کنیم.» نفر بعدی گفت: «جرقه هه خودمون رو نگیره، با این همه گازو-ویلی که داریم جابه جا می کنیم!» نفر بعدی گفت: «پایه یک دارا رو از چی می ترسونی؟! باکی نیست! ما آدم شاخ به شاخ شدنیم.» نفر بعدی گفت: «به جان همین خاله شادونه که عکسش رو چسبوندم روی در کامیونم، آدم آب رادیات بخوره، ولی برای آب خوردنش محتاج اینا نشه!» نفر بعدی گفت: «اگه تشنه ای فلاسک



- بایدن: عه، اون زنش بود؟ من همیشه فکر می کردم مامانشه! 🤔
- جواد خیابانی: دوستان به شایعات توجه نکنین. از قدیم گفتن زن و شوهر دعو کنن، ابلهان باور کنن.
- ترامپ: این از زنش کتک می خوره، بعد می گه بیاین با روسیه بجنگیم.
- بیرانوند: زشته بابا، ماها قشر دکتر و مهندس جامعه هستیم، نباید دعو کنیم.
- آذری جهرمی: آدم با آفتابه شیرموز بخوره، این جوری از زن بیست سال از خودش بزرگ تر سیلی نخوره. 🤔
- سعید روستایی: قریون اروپای متمدن برم که زن هم حق داره بزنه زیر گوش شوهرش. 🤔
- اکبر عبدی: همسر رئیس جمهور فرانسه 🇫🇷 مادر فولادزره 🇮🇷
- مریم امیرجلالی: ولی حقش بود مردک، من با زنش صحبت کردم، آقا کواکین مصرف می کنه، اگه من بودم جوری می زدم که دندوناش بریزه کف هواپیما. 🤔
- احمدی نژاد: خداوکیلی این زن های اروپایی به درد نمی خورن. من آمریکای جنوبی رفتم، زن هاش خیلی مهربون تر بودن. 🤔

وزیر نیرو:

من شرمنده مردم هستم اگر جایی خاموشی دوبار اتفاق می افتد،
درحالی که باید یک بار اتفاق بیفتد.

(فارسی)



وزیر صمت:

من شرمنده مردم
هستیم که خودرو
موقع تصادف
هر دو ایربگش
فعال نمی شود،
درحالی که فقط
یک ایربگ
نباید فعال باشد.

رئیس صداوسیما:

من شرمنده مردم
هستیم که به هر
دقیقه برنامه دو
لیتر آب بستیم،
درحالی که باید
یک لیتر باشد.

وزیر ارتباطات:

من شرمنده مردم
هستیم اگر کسی
حین انتظار
برای بالا آمدن
یک سایت، دوتا
چای می خورد،
درحالی که باید
در حد خوردن
یک چای منتظر
بماند.

رئیس کارخانه
سوییس و کالباس:

من شرمنده مردم
هستیم که داخل
محصولاتمان
گوشت
دوتا حیوان
ناخوشایند وجود
دارد، درحالی که
باید گوشت
یکی از آن ها
باشد.

رئیس بانک مرکزی:

من شرمنده
مردم هستیم اگر
جایی، کسی،
سالی دوبار
اختلاس می کند،
درحالی که باید
یک بار اتفاق
بیفتد.

پزشکیان، مگر ما که قدیم
پنکه و کولر نداشتیم، مردیم؟

ترمیناتور!

نترس ای هم وطن، از شدت گرما نمی میری
نهایت می روی در حالت اغما، نمی میری
نترس ای هم وطن، کم کم تو عادت می کنی، بعدش
تو هم چون بومیان ساکن صحرا نمی میری
اگر باهوش باشی، راه حلی می کنی پیدا
و وقتی راه حلت را کنی اجرا، نمی میری
به عنوان نمونه وقت گرما فوت کن خود را
اگر فوت تو باشد محکم و گیرا، نمی میری
و حتی می شود با روزنامه باد زد خود را
اگر باشد به دستان تو «شهرآرا» نمی میری
و یا هر شب ببین برنامه های طنز سیما را
ولیکن مطمئن باشی که از سرما نمی میری!
شنیدم ثبت نام وام فرزندانوری کردی
اگر وامت نشد این بار هم امضا، نمی میری
فقط یک چندسالی صبر کن، تا آن زمان حتی
اگر که بچه ات هم شد خودش بابا، نمی میری
اگر بی خانه هم هستی، مبادا غم خوری ببخود
اگر در کوه ها غاری کنی پیدا، نمی میری
خبر دارم که رنگ گوشت را دیگر نمی بینی
به جای آن اگر هر شب خوری سویا، نمی میری
نکن در کاسه هی کنکاش، چون در آن نبینی ماش
اگر دوری کنی از آن چو باقالا، نمی میری
نهایت می شوی چون مردم محروم آفریقا
تو هم چون مردم محروم آفریقا نمی میری
تو را چشمی ست خون افشان، ز اوضاع بد درمان
ولی اصلا نخور غصه، شما حالا نمی میری
چرا؟ زیرا پزشکم من، اگر حتی بمیری هم
سریعا می شوی درمان، شوی احیا، نمی میری
تو صدها بار دیدی لحظه های بدتر از این را
تو ترمیناتوری، جان سخت و نامیرا، نمی میری
خدا را شکر کن هشتاد میلیون با تو همراه اند
تو چون آن قوی زیبا گوشه ای تنها نمی میری

الهی! در این برهه حساس به ما قدرت خرید
نان سنگک با قیمت جدید را بده و به بابک
زنجانی هم کمک کن تا هرچه زودتر مجوز ایرلاین
تازه تاسیسش را بگیرد. آمین!

پنجه

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز: شهرمداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر
سرمدیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر: ضامن: ارزنگ حاتم
دبیر: پلخمون: مجتبی نضعی راد
صفحه آرایی: ساعد عاشوری

پیماک: ۳۰۰۷۲۸۹

دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir

راهکارهای ارزان سازی سفر هوایی

در راستای ارزان سازی قیمت ها، سخنگوی سازمان هواپیمایی گفته است:
«به زودی اگر کسی اعلام کند نمی خواهد از پذیرایی هواپیما استفاده کند، قیمت
بلیتش کاهش می یابد!» چه از این بهتر؟ البته برخی راهکارهای دیگر هم هست
که باز هم می شود ارزان ترش کرد که ایشان اشاره ای نکردند، ولی ما می کنیم!

اطمینان از نبود پذیرایی:

مسافرای عزیزی که سفر رو بدون پذیرایی انتخاب کردن، می تونن از
تماشای غذا لذت ببرن. جهت اطمینان از نردن ناخونک، تمهیدات
ویژه ای روی دهن مسافرای گرامی نصب شده.

کلاب به روتون:

متأسفم، اسمتون توی لیست مسافرای
مجاز به استفاده از دست شویی نیست.

استفاده از امکانات مسافران:

بابا من نمی دونستم شما این قدر آدم مهمی
هستین که توی هواپیما تحویلتون می گیرن

دلت خوشه ها، واسه اینکه بلیت ارزون تر
بشه، کارت سوختش رو داره می ده خلبان
یک پاک باهاش بزنه!

اگه هیچ راهی نداره، می شه به کاپیتان
بگین جای اون ابر بزرگه نگه داره، من و این
بچه به سری سبک کنیم!

درجه بندی های اقتصادی تر:

خیلی اقتصادی

اقتصادی

فرست کلاس

یک عکس خویش انداز بگیر واسه خواهرت بفرست.
با چنانغم ببینه سوار هواپیما شدیم، چشمش درآد!

به کارگیری هواپیماهای ارزان تر:

کم کردن وزن هواپیما:

خانوم بلیت این رو قسطی گرفتی؟
شانس سالم رسیدنمون به مقصد
با این پنجاه پنجاه هه ها!

این نرخ بلیت من رو خیلی گرون
گفتین! تخفیف نمی دین؟

تا روز پرواز رژیم بگیر، شاید!

هرچی باشه باز هم شانس
زنده رسیدنمون پنجاه درصد
بیشتر از اون لگن خودته!